

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۳۸ چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۷، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۸

www.kurdistanmedia.com



KMMK-G
طی نامه‌ای بر بی‌گناهی
هدایت عبدالله‌پور
تأکید کرد

۸



سهراب کریمی:
در هر جا که کوردها با موفقیت
عمل کرده‌اند
نقش و مشارکت فعالین مدنی و
فرهنگی در آن عیان است

۷



کرمانشاه و سقز
بیشترین میزان حضور
در تحصن و اعتراضات معلمان را
به خود اختصاص دادند

۵



یوسف السرخسی:
اتحاد خلق‌های غیرفارسی در
ایران نه تاکتیکی و مرحله‌ای
بلکه استراتژیک و همیشگی است

۴

به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای همزیستی مردمان ایران، لازم است



سلفن

از انکار
تا اعتراف

کریم پرویزی

مشکل اساسی و بنیادی خاورمیانه و کشوری همچون ایران، حداقل طی یک قرن اخیر، این بوده که عدالت سیاسی در این منطقه برقرار نبوده تا همگان را به یکسان و برابر ببیند.

عدم وجود عدالت سیاسی یا به عبارت دیگر حاکمیت ستم سیاسی بر ملت‌های مختلف در منطقه، منیع ایجاد ده‌ها و صدها مساله و مشکل متعدد بوده که اواخر قرن ۱۹ و سراسر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ را مملو کرده است. از کشتار و انکار دیگری، از کشتار ارمنی‌ها و کوردها در کوردستان ایران و ترکیه تا فجایع خلق شده بعد از فرمان جهاد خمینی و انفال در کوردستان عراق و جنایت‌های روی داده در شنگال و پاکسازی یهودی‌ها در منطقه و کشتار شیعیان در عراق و ژنوساید سنی‌ها در گوشه‌ای دیگر و ده‌ها و صدها نمونه‌ی دیگر، که همگی از آبشخور انکار و حذف دیگری سرچشمه می‌گیرد. همانگونه که دکتر عبدالرحمن قاسملو متذکر می‌شود، تروریسم در بستر همین ناعدالتی شکل گرفته و تا زمانی که عدالت و همزیستی برابر ملت‌ها محقق نشود، نمی‌توان نقطه پایانی بر تروریسم در منطقه متصور شد.

ادامه در صفحه‌ی ۲

گام عملی برای برای اتحاد و انسجام جناح‌های اپوزیسیون متخاصم جمهوری اسلامی ایران باشد. همانگونه که امضا کنندگان نیز اعلام کرده‌اند این در واقع اولین گام است در این راه و تلاشی ابتدائی برای تحقق این هدف، یعنی ایجاد اتحادی گسترده و فراگیر علیه رژیم اسلامی ایران. متن کامل این تفاهمنامه در صفحه روزنامه در اختیار خوانندگان عزیز "کوردستان" قرار گرفته است.

دمکرات کردستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیسته‌ای چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان قابل ذکر است که این اولین تفاهمنامه‌ی نیروهای سیاسی ملیت‌های ایران است که در چنین سطح گسترده‌ای شکل گرفته است و همانگونه که کارشناسان نیز متذکر می‌شوند، این تفاهمنامه می‌تواند اولین

در ساختار سیاسی ایران، به رسمیت شناختن آزادی‌های سیاسی، تحکیم پایه‌های دمکراسی در کشور، مقابله با بنیادگرایی، تروریسم و خشونت و چندین مورد دیگر. جناح‌ها و جریانانی که این تفاهمنامه را امضا کرده‌اند عبارت‌اند از: اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لاییک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب

برای استقرار دموکراسی، جمهوری و فدرالیسم در ایران و ارزش‌هایی چون رواداری، پلورالیسم، جدایی دین و دولت بر مبنای منشور حقوق بشر و همزیستی همه طیف‌ها و گرایش‌های سیاسی دموکراتیک پایبندیم. امضا کنندگان این تفاهمنامه در ۱۴ بند جوهری، طرح مشترک خود را ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها شامل: جدایی دین از سیاست، حذف مرکزگرایی و تقسیم قدرت

حزب دمکرات و ۹ حزب دیگر ایرانی، مورخ ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۹۷ شمسی بعد از امضا کردن تفاهمنامه‌ای مشترک، سایر احزاب و جریان‌های سیاسی را دعوت به مبارزه برای نابودی جمهوری اسلامی ایران، دعوت کردند. در متن این فراخوان بعد از اشاره به تاریخ مبارزاتی مردم علیه رژیم و لزوم اتحاد و همبستگی جریان‌های سیاسی در این مسیر، آمده است: ما بر ضرورت اتحاد وسیع

آمریکا فشارهای خود علیه جمهوری اسلامی را بیشتر و فشرده‌تر می‌کند

صدور بیانیهای خطاب به علی خامنه‌ای رهبر رژیم تهران متذکر شد: به جای هزینه کردن ثروت ایرانی‌ها برای تروریست‌ها، آن را برای مردم ایران هزینه کند. یومینو در ادامه افزود: او باید تصمیم بگیرد که آیا هزینه کردن پول مردم ایران برای خود مردم ایران مهم‌تر است، یا برای ابداع روش‌های جدید تأمین مالی بشار اسد، حزب الله، حماس، یا دیگر تروریست‌ها.

این کشور می‌شود. از سوی دیگر مایک پومپئو، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، خطاب به خامنه‌ای گفته است: ثروت مردم ایران را برای ایرانی‌ها صرف کن. در واکنش به تحریم شبکه‌های صادرات نفت ایران به سوریه، بار دیگر وزیر خارجه آمریکا به همه جناح‌ها هشدار داد و خطاب به خامنه‌ای نیز پیامی منتشر کرد. مایک پومپئو بعد از اعلام خبر تحریم ۹ فرد و نهاد در یک شبکه بین‌المللی، به اتهام صدور نفت به سوریه، با

العربیه ضمن تأکید بر اینکه "ایران بزرگترین حامی تروریسم در جهان است"، گفت: هدف تحریم‌های ما محروم کردن رژیم از توانایی صدور تروریسم است. ما در مورد دور زدن تحریم‌ها هوشیاریم و منعی برای توقف آن نخواهیم داشت. آمریکا در بیانیه‌های مختلفی اعلام کرده است که معامله و انجام امور بازرگانی با ایران می‌تواند به معنای تأمین مالی تروریسم باشد به همین هرکس و هر جناحی شریک و همکار ایران شود مشمول تحریم‌های

فروش نفت ایران کم کرده‌ایم، که معادل حدود ۲ میلیارد دلار است، که از درآمد ایران کم شده است. او در ادامه گفت: این رژیمی است که از سال ۲۰۱۳ میلادی حدود ۱۶ میلیارد دلار در عراق، سوریه و یمن - به منظور حمایت از گروه‌های شبه نظامی مختلف، تولید موشک، و همه گونه تهدید علیه صلح و امنیت - هزینه کرده است. بنابراین تحریم‌های ما به جا هستند. برایان هوک همچنین در مصاحبه‌ی دیگری با شبکه

برایان هوک نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران، در تازه‌ترین اظهارنظر در روز سه‌شنبه بیست‌ونهم آبان‌ماه، با اشاره به ابعاد تحریم جمهوری اسلامی، آن را سنگین‌ترین تحریم تاریخ علیه جمهوری اسلامی نامید. آقای هوک که با شبکه تلویزیون ماهواره‌ای عرب زبان "الحره" گفتگو می‌کرد، گفت: تحریم‌ها در فعالیت‌های ایران اخلاص ایجاد می‌کند. ۸۰ درصد درآمد ایران از محل صادرات نفت تأمین می‌شود، و ما تاکنون یک میلیون بشکه از

ادامه‌ی سخن

شعار حزب دموکرات و ۹ جریان سیاسی دیگر

در ایران نیز، افکار و اندیشه‌های انکار و حذف در پروسه‌ای ویژه و خاص تتوریزه شده و بعد از قدرت یافتن رضاخان، این تتوری‌ها از مجرای تفنگ و زور به صحنه عمل پا گذاشتند و از بطن آن، نسل‌کشی و کشتار سربرآورد.

در ایران ویران شده، قریب به یک سده است که برپایه تتوری شونیستی، وجود ملیت‌های دیگر انکار می‌شود و در تمام ابعاد تتوریک، نظامی، اقتصادی، اطلاعاتی، امنیتی و… تلاش شده همه ساکنان جغرافیای ایران به مانند یک ملت همسان، تعریف و به جهانیان معرفی شوند و اگر در این میان تفاوت کوچکی؛ هم دیده شود در چارچوب خرده فرهنگ و تفاوت در پوشش‌های محلی و مراسم شادی و عزا قرار می‌گیرد! وظیفه اصلی مبارزات برابری‌طلب در خاورمیانه و بویژه در ایران این است که نشان دهد که یک ملت همسان و یکدست در کشور وجود ندارد و کشوری همچون ایران کثیرالمله است. هر گاه این واقعیت اقرار شده و مورد پذیرش قرار گرفت، آن زمان همگی ملیت‌ها حقوق و خواست‌ها و حق تعیین سرنوشت یکسانی نیز خواهند داشت و پذیرش چنین حقیقتی، تحمل برآیندها و آثار آنرا نیز در پی خواهد داشت.

ده سازمان از ملت‌های متفاوت ایران و چند گروه دیگر که از مردمانی غیر از ملت‌های تحت ستم هستند، توافقی را امضا و اعلام کرده‌اند که باید گفت برای اولین بار طی چهار دهه اخیر شاهد آن هستیم که بصورت رسمی و طی بیانیه‌ای، از سوی گروه یا سازمانی خارج از ملت‌های تحت ستم ایران، به کثیرالمله بودن این کشور اشاره و اعتراف شده است.

در این تفاهمنامه علنا از اتحاد آزاد ملت‌های فارس و ترک و کورد و بلوچ و عرب و ترکمن سخن به میان آمده است که این برای اولین بار است که در تاریخ معاصر ایران به این امر اعتراف می‌شود که ملتی به نام ملت ایران وجود ندارد و این کشور از چندین ملت متفاوت و برابر عرب، فارس، ترک، کورد، بلوچ و ترکمن تشکیل شده است.

این اعترافی‌ست به واقعیتی که به نقطه عطفی تاریخی بدل می‌شود که پذیرش همدیگر به مانند هویت و بافت متفاوت و برابر، آینده و نتایج بسیار متفاوتی در پی خواهد داشت، نتایجی متفاوت از آنچه‌که تا به امروز دیده‌ایم.

در متن فراخوان این احزاب و جریانات با اشاره به پیشینه مبارزه مردم علیه رژیم و ضرورت اتحاد جریانات سیاسی در این راستا آمده است: ما بر ضرورت اتحاد وسیع برای استقرار دموکراسی، جمهوری و فدرالیسم در ایران و ارزش هایی چون رواداری، پلورالیسم، جدایی دین و دولت بر مبنای منشور حقوق بشر و همزیستی همه طیف‌ها و گرایش‌های سیاسی دموکراتیک پایبندیم.

متن این فراخوان و تفاهمنامه مشترک به صورت زیر است:
فراخوان به همکاری مشترک کشور ما نزدیک به ۴۰ سال است که تحت ستم و سلطه جمهوری اسلامی قرار دارد. امروزه در شرایطی که مردم ایران در تمامی عرصه‌ها دست به مبارزه‌ای گسترده برای آزادی، رهایی و احقاق حقوق خود زده‌اند، ما جریان‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی، با دیدگاه‌های اجتماعی و پیشینه سیاسی متفاوت، فعالیت مشترکی را بر اساس تفاهم نامه زیر آغاز کرده‌ایم. ما این حرکت مقدماتی را گامی در جهت ایجاد یک اتحاد گسترده دانسته و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

ما بر ضرورت اتحاد وسیع برای استقرار دموکراسی، جمهوری و فدرالیسم در ایران و ارزش‌هایی چون رواداری، پلورالیسم، جدایی دین و دولت بر مبنای منشور حقوق بشر و همزیستی همه طیف‌ها و گرایش‌های سیاسی دموکراتیک پایبندیم.

ما با تاکید قاطعانه بر تدوام و گسترش جنبش‌های اعتراضی، مدنی و دموکراتیک در ایران و پشتیبانی از مبارزات مردم، از احزاب، نهادها، سازمان و جریان‌های جمهوری‌خواه دموکرات که خود را با تفاهم نامه زیر همسو می‌دانند، دعوت به همکاری و همگامی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی می‌نماییم.

مبانی مشترک همکاری ما

مقدمه :

الف: بعد از یک سده مبارزات پرفراز و نشیب در راه آزادی و عدالت اجتماعی، تامین حاکمیت مردم، استقرار و نهادینه کردن دموکراسی در کشور و تلاش مستمر برای پی‌ریزی ایرانی آزاد، پیشرفته و مدرن و به دور از هر گونه تبعیض جنسیتی، ملی و مذهبی ، کشور ایران همچنان اسیر استبداد و حکومت خودکامه است. مردم از حقوق اساسی خود، از آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، صنفی و امنیت قانونی و اجتماعی محروم هستند.

تبعیض علیه زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، سیاست رسمی و قانونی جمهوری اسلامی ایران است. دگرانديشان،

روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان، اندیشمندان، جوانان و دانشجویان در معرض تهدید و تهاجم دائمی حکومت قرار دارند. کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر تولیدکنندگان ثروت مادی و معنوی جامعه، از حداقل های لازم برای تامین زندگی متناسب با شان و منزلت انسانی و اجتماعی خود، برخوردار نیستند و از حق تشکیل سندیکا و تشکل مستقل محرومند. تبعیض و ستم ملی علیه ملیت‌های ساکن ایران با خشن‌ترین شیوه‌ها ادامه دارد. جمهوری اسلامی ایران در ادامه تضییقات گذشته هم چنان مطالبات بر حق ملی و قومی را با قهر و خشونت پاسخ می‌دهد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی و ساختار قدرت در آن، بر پایه تبعیض، درآمیزی دین و دولت، دشمنی با آزادی و تجدد بنا شده است. در جمهوری اسلامی مردم از حق حاکمیت بر سرنوشت خود محروم هستند و حقوق بشر پیوسته ویشکلی خشن نقض می‌شود.

رژیم جمهوری اسلامی ایران در کلیت خود اصلاح پذیر نیست و در چارچوب آن، هیچیک از خواست های دموکراتیک مردم ایران تحقق پذیر نیست. بنابراین، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و انحلال همه نهادهای قضائی، قانون گذاری و اجرایی سرکوبگر (اعم از سیاسی، نظامی، امنیتی و غیره) و الغای قانون اساسی جمهوری اسلامی و دیگر قوانین غیر دموکراتیک، شرط نخست و اصلی در راستای استقرار یک نظام جمهوری مبتنی بر دموکراسی، جدایی دین و دولت و حقوق بشر می باشد.

ب: مبارزه علیه جمهوری اسلامی از بدو بنیانگذاری آن همواره جریان داشته است. دهها هزار نفر از مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی در طول قریب به چهل سال گذشته در پیکار علیه استبداد حاکم جان باخته اند. چهار دهه است که مردم به اشکال مختلف نارضایتی خود را از وضع موجود اعلام داشته

و گاه بدون توجه به سیاست سرکوبگرانه حکومت، به شکل ملیونی به خیابان آمده اند تا انزجار خود را از سیاست های غیر دموکراتیک و ناعادلانه و تبعیض آمیز حکومت اعلام دارند. آخرین نمونه آنها، جنبشهای گوناگون طی ماههای اخیر و به ویژه، خیزش دیماه گذشته و اعتصابات و اعتراضات اخیر می باشد. در نتیجه این اعتراضات، سیمای جمهوری اسلامی درسطح گسترده ای افشا شده و این مقاومت ها و اعتراضات مردمی به همستگی ملی و بین المللی برای دستیابی به دموکراسی کمک شایانی نموده است.

ج: در طول چهاردههٔ گذشته، آزادیخواهان و نیروهای چپ، دموکرات و جمهوریخواه با برنامه و روش‌های متفاوت علیه حکومت جمهوری اسلامی مبارزه کرده‌اند. اما تجربه نشان داده است که بدون همکاری و اتحاد عمل این نیروها، امکان تاثیرگذاری آن‌ها بر تحولات سیاسی و شکل‌دهی آلترناتیو جمهوریخواه ودموکرات دشوار خواهد بود.امروز برای پیشرفت جنبش، ضرورت همکاری و اتحادعمل این نیروها بیش از هر زمان دیگری به امری حیاتی تبدیل شده است.

ما سازمان‌ها و احزاب امضا کنندهٔ این تفاهم نامه، با برنامه، دیدگاه های اجتماعی و پیشینه سیاسی متفاوت که بر ضرورت اتحاد وسیع جمهوریخواهان دموکرات، برای استقرار دموکراسی در ایران بر مبنای منشور جهانی حقوق بشر و ضمانت پیوست آن و ارزش هائی چون رواداری، پلورالیسم، جدایی دین و دولت و همزیستی همه طیف ها و گرایش های سیاسی دموکراتیک، پایبندیم؛ ما نیروهائی که در راه تداو، گسترش و تعمیق جنبش اعتراضی مردم ایران که رنگین کمانی از طبقات، گروه‌های اجتماعی و نیروهای سیاسی آزادیخواه جامعه می‌باشد مبارزه می کنیم، بر مبارزه مدنی، و دموکراتیک و مسالمت آمیز، که خصلت نمای جنبش اعتراضی است، تاکید



داریم، تفاهم بر سر این طرح مقدماتی را گامی در جهت اتحاد گسترده جمهوریخواهان ایران می‌دانیم.

طرح مشترک ما ۱- استقرار نظامی دموکراتیک در شکل جمهوری پارلمانی مبتنی بر جدایی دین و دولت ، تفکیک قوای سه گانه و پلورالیسم سیاسی، انتخابی بودن همه نهادهای حکومت با رای مستقیم مردم و رعایت اصل تناوب قدرت. ما بر این اصل تاکید داریم که رای مردم یگانه منشاء قدرت و مشروعیت حاکمیت است.

۲ - کشور ایران سرزمینی است که در نتیجه همزیستی ملیت‌های، فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و دیگر مجموعه های زبانی و اقلیت‌های مذهبی و فرهنگی شکل گرفته است. برای اتحاد پایدار و باهم ماندن مردمان ایران ضروری است :
اولا هویت و حقوق ملی - دموکراتیک این مردمان پذیرفته و حق تعیین سرنوشتشان به رسمیت شناخته شود.

ثانیا تمرکز قدرت و مرکز گرائی تاکنونی، جای خود را به عدم تمرکز و تقسیم قدرت در ساختار سیاسی ایران بدهد. ما خواهان اتحاد آزادانه مردمان ایران در یک سیستم سیاسی و اداری فدرال هستیم.

۳- جدایی دین و دولت و تضمین آزادی عقیده، دین و

مذهب.
۴- تامین آزادی‌های سیاسی، حقوق دموکراتیک و مدنی مردم، تضمین آزادی اندیشه و بیان، رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی، شیوه زندگی، فعالیت احزاب سیاسی، آزادی برگزاری اجتماعات، تظاهرات، اعتصابات و ایجاد تشکل های صنفی و مدنی.

۵- تامین برابر حقوقی شهروندان، مستقل از جنسیت، مذهب، تعلق قومی، ملی، زبانی و مسلکی.

۶- تعهد و تضمین حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان های الحاقی آن.

۷ - لغو مجازات اعدام و هر گونه مجازاتی که حیثیت، شان و منزلت انسان را خدشه دار کند.

کوردستان

حزب دمکرات و ۹ جریان سیاسی دیگر تفاهم‌نامه مشترکی را امضا کردند

ده حزب و جریان سیاسی ایرانی ضمن امضای تفاهم‌نامه‌ای مشترک، از دیگر احزاب و جریانات در مبارزه برای سرنگونی رژیم ایران دعوت به همکاری کردند.

۸ - تامین برابر حقوقی زنان با مردان، لغو هر گونه تبعیض جنسیتی، اجرای کامل مفاد کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان و تضمین قانونی برای تامین امکانات لازم جهت رشد استعدادها و توانایی‌های زنان در همه عرصه‌های زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی.

۹ - تحکیم پایه‌های دموکراسی در کشور و تدوام همزیستی تاریخی مولفه‌های آن ایجاب می‌کند که حقوق برابر ملیت‌های ایران و حقوق - ملی دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام ساکن ایران واحد، دموکراتیک و غیر متمرکز در عرصه های ملی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تامین و تضمین گردد.

۱۰- تامین فرصت‌های برابر برای دسترسی همگان به مسکن، بهداشت، آموزش، اشتغال، فرهنگ و بیمه‌های اجتماعی.

۱۱ - برقراری روابط سیاسی ایران با همه کشورها بر پایه احترام متقابل، پذیرش اصل حق حاکمیت مردم ایران، منافع ملی و پاسداری از صلح جهانی. ما با دخالت نیروهای خارجی در امور مربوط به حق تعیین سرنوشت مردم ایران و آلترناتیو سازی توسط آن‌ها مخالفیم.

۱۲- جلب پشتیبانی افکار عمومی و حمایت نهادهای بین‌المللی از مبارزات مردم ایران برای استقرار دموکراسی در کشور و اعمال فشار به جمهوری اسلامی در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران و در همبستگی با مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران.

۱۳- مخالفت با بنیادگرایی، اعمال خشونت و تروریسم.

۱۴- ما برگزاری اجتماعات، تحصن، اعتصاب، راهپیمایی و اشکال متفاوت مبارزه، برخورداری از حق دفاع در برابر اعمال قهر حکومت و مبارزه مدنی برای رسیدن به مطالبات اقتصادی و سیاسی را جزئی از حقوق اساسی شهروندان می‌شناسیم.

اتحاد دمکراتیک آذربایجان – بیرلیک جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران حزب تضامن دمکراتیک اهواز حزب دمکرات کردستان ایران حزب دمکرات کردستان حزب کومه له کردستان ایران

حزب مردم بلوچستان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران شورای سوسیالیستهای چپ ایران کومه له زحمتکشان کردستان ۲۵ آبانماه ۱۳۹۷ – ۱۶ نوامبر ۲۰۱۸

دانش آموزان مدرسه‌ی راهنمایی نی، دست به اعتراض زدند



مدرسه گفته است: "سال گذشته این مدرسه برای من از زندان بدتر بود. هیچ امکاناتی وجود نداشت، اما لبخند دانش آموزان این زندان را برایم دوست داشتنی کرده بود". او همچنین گفته است: این دانش‌آموزان امسال تاب نیاوردند و انتخاب کردند؛ اعتراض در وجودسان بی شک نهادینه شده است. بیشتر مدارس در روستاهای کردستان، وضعیت خوبی ندارند و با آمدن فصل سرما دچار مشکلات زیادی می‌شوند و مسئولان رژیم نیز هیچ توجهی به وضعیت مدارس و دانش‌آموزان ندارند.

تجاوز در شوشتر، بحران اجتماعی در ایران عمیق‌تر می‌شود

فیلم تجاوز به برخی از کودکان و نوجوانان شوشتری در حالی منتشر می‌شود که طی چهار دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی، تجاوز به یکی پدیده‌های شایع در جامعه ایرانی بدل شده است. روز پنج‌شنبه، بیست‌وچهارم آبان‌ماه، در حالی فرماندار شوشتر خبر تجاوز به تعدادی از کودکان و نوجوانان این شهرستان را تأیید کرد که از بازداشت سه نفر از مرتکبین این واقعه نیز خبر داد.

با گذشت قریب به ۱۰ روز از انتشار فیلم تجاوز به این کودکان و به نقل ازنزدیکان آنان، پلیس خانواده‌های قربانیان را تهدید کرده است که با رسانه‌ها در این باره حرفی نزنند.

در حالی شاهد ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر برقراری امنیت در ایران تحت لوای حاکمیت اسلامی هستیم که شدت و وسعت آسیب‌ها و ناپهنجاری‌های اجتماعی، جامعه ایران را با فروپاشی اخلاقی و ساختاری رویه‌رو کرده است. با این همه روزنامه اعتماد طی گزارشی از کاهش "یکصد میلیارد تومانی" ردیف بودجه پیشنهادی دولت برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در سال ۹۷ خبر داده بود.

این کاهش بودجه که با واکنش شدید روانشناسان و فعالین اجتماعی رویه‌رو بوده که به گفته اینن ای سیلز، سفیر ویژه‌ی هماهنگ کننده‌ی ضدتروریسم آمریکا، جمهوری اسلامی ایران سالانه یک میلیارد دلار را صرف تغذیه و حمایت از گروه‌های تروریستی از جمله حزب‌الله لبنان می‌کنند.

کاهش ۵۰درصدی محبوبیت ایران در میان شیعیان عراق

نتایج پژوهش‌های یک موسسه تحقیقاتی در عراق نشان می‌دهد که محبوبیت جمهوری اسلامی ایران طی چهار سال اخیر در میان شیعیان عراقی، به نصف کاهش یافته است. برپایه گزارشی از "واشنگتن پست"، موسسه تحقیقاتی "المستقله" عراق پژوهش وسیعی در رابطه سنجش میزان محبوبیت رژیم ایران در میان مردم عراق با تمرکز بر شیعیان این کشور انجام داده است.

این گزارش مدعی می‌شود که: درصد شیعیان عراقی که نظر مثبتی نسبت به ایران داشتند، از ۸۸ درصد در ۲۰۱۵ به ۴۷ درصد در ۲۰۱۸ کاهش یافته است و در مدت مشابه، شمار آنانی که نظر منفی نسبت به ایران داشتند، از ۶ درصد به ۵۱درصد رسیده است. همچنین شمار شیعیان عراقی که ایران را شریک و همسایه‌ای قابل اعتماد می‌دانستند، از ۷۶ درصد به ۴۳ درصد رسیده و آنهایی که اعتمادی به ایران نداشتند، از ۲۴ درصد به ۵۵ درصد افزایش یافته‌اند.

از سوی دیگر بر تعداد کسانی که ایران را تهدیدی برای حاکمیت ملی عراق می‌داند افزوده شده و از ۲۵ درصد در ۲۰۱۶ به ۵۸ درصد در ۲۰۱۸ افزایش یافته است.

گزارش مذکور حمایت پیوسته ایران از دولت‌های فاسد عراق پس از ۲۰۰۶ به ویژه دولت نوری المالکی را از عوامل اصلی کاهش محبوبیت این رژیم اعلام کرده است.

اعتراضات و اعتصابات کارگری کرماشان را نیز در بر گرفت

کشت وصنت نیشکر هفت تپه، برای هشتمین روز متوالی تجمع اعتراضی برگزار کردند. آن‌ها از چهاردهم آبان ماه، دور جدید اعتراضات خود را آغاز کرده‌اند. این کارگران نیز به مدت سه ماه است حقوق دریافت نکرده‌اند. بنابر گزارشات منتشر شده، طی یک سال گذشته، بیش از ۶ هزار تجمع اعتراضی از سوی کارگران در شهرهای ایران برگزار شده که از جمله دلایل آن به دریافت نکردن حقوق، اخراج دسته جمعی چندین مورد دیگر برمی‌گردد.



دریافت نکردن حقوق ۶ ماه و بیمه‌ی ۲۸ ماه آن‌ها نیز پرداخت نشده است. از سوی دیگر نیز، در همان روز، کارگران شهرداری "خنافره" از توابع شادگان استان خوزستان، در اعتراض به

نبود معلم، بسیاری از مدارس استان‌های کوردستان را به تعطیلی کشانده است

و دانش‌آموزان سال تحصیلی جدید را آغاز نکرده‌اند. پس از پیگیری‌های خانواده‌های دانش‌آموزان در مناطق مختلف استان ایلام، مسئولان آموزش و پرورش رژیم در این استان اعلام کرده‌اند، مدیریت آموزش و پرورش در تمامی شهرستان‌ها و نواحی استان ایلام با نبود معلم روبه

به دلیل نبود معلم، تعطیل هستند و دانش‌آموزان این مدارس فصل جدید تحصیلی را آغاز نکرده‌اند. استان ایلام، یکی از استان‌های کوردستان است که پس از آغاز فصل جدید تحصیل در ایران، تاکنون بخشی از مدارس آن در شهرها و روستاها به دلیل نبود معلم تعطیل هستند

استان‌های زاگرس همچنان در قله بیکاری ایران



پائین‌تر از واقعیت‌های موجود در جامعه، می‌دانند. نهادهای تحقیقاتی-اداری جمهوری اسلامی ایران، هر فرد را که در بخش‌های مختلف اقتصادی در هفته حتی یک ساعت هم فعالیت داشته باشد و برای این فعالیت دستمزد دریافت کند، شاغل محسوب می‌کنند.

مدعی شده که، استان‌های کوردستان شاهد کاهش نرخ بیکاری در تابستان امسال بوده‌اند. به عنوان مثال به کاهش ۱.۵ درصدی نرخ بیکاری در کرماشان اشاره کرده است. تحلیلگران و دانشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی آمار ارائه شده از سوی دولت را بسیار

برپایه طرح آمارگیری نیروی کار، استان‌های کرماشان و کهگیلویه و بویراحمد به مانند سال‌های پیش در صدر استان‌های بیکارخیز ایران قرار گرفتند.

برپایه گزارشات منتشر شده در رسانه‌های حکومتی ایران، استان‌های کرماشان و کهگیلویه و بویراحمد، در تابستان ۹۷ بالاترین نرخ بیکاری را به میزان ۱۶.۴درصد، و ۱۵ درصد داشته‌اند.

این گزارش متذکر می‌شود که نرخ بیکاری کهگیلویه و بویراحمد با افزایش ۴.۹ درصدی رویه‌رو شده است. این گزارش با احتساب نوجوانانی که طی تابستان روی به دسفروشی آورده‌اند

قصور پزشکی تنها طی دو هفته، دو زن را به کام مرگ کشید

بیمارستان خمینی مهاباد منتقل و تحت عمل سزارین قرار گرفته بود و در پی آن دچار مرگ مغزی شده بود. پیشتر، یک زن باردار سقزی به نام "لیلا برایی" پس از زایمان طبیعی در بیمارستان تأمین اجتماعی این شهرستان، در روز یکشنبه ششم آبان‌ماه به دلیل قصور پزشکی جان

جان سپرد. بنابر این گزارش، کمیسیون پزشکی پس از بررسی آزمایشات اولیه، قصور پزشکی را عامل مرگ مغزی این زن باردار اعلام کرده است.

کردیا متذکر شد که: این زن باردار روز شنبه ششم آبان‌ماه جهت انجام عمل زایمان به

جان سپرد. بنابر این گزارش، کمیسیون پزشکی پس از بررسی آزمایشات اولیه، قصور پزشکی را عامل مرگ مغزی این زن باردار اعلام کرده است. کردیا متذکر شد که: این زن باردار روز شنبه ششم آبان‌ماه جهت انجام عمل زایمان به

۱۹ روز است که به شهرک "دوشان" سنج‌ج آب نمی‌رسد

مردمان این منطقه، برای تامین آب مورد نیاز خود باید به پارک بهاران مراجعه می‌کنند که هر بار رفت وبرگشت به مدت ۳۰ دقیقه طول می‌کشد. قابل ذکر است تاکنون شکایت‌های اهالی این شرکت به سازمان‌های مربوطه بی‌پاسخ مانده است.

شهرک دوشان و چند شهرک نزدیک به آن، جمعیتی زیادی را در خود جای داده است و تا مراکز اصلی شهر نیز نیم ساعت فاصله دارند. بنیاد مسکن شهر سنج‌ج سالانه مجوز ساخت

سه تا پنج روز آب نداریم. به گفته‌ی این منبع خبری روزانه نیز در صورت وجود آب، فقط به مدت یک ساعت است برای امورشان کافی نیست و با کمبود شدید آب مواجه می‌شوند. یکی دیگر از شهروندان ساکن در این شهرک در همین رابطه گفت: من بچه کوچک دارم، برای نظافتش مجبور هستم آب معدنی تهیه کنم و آبی که به ما می‌رسد حتی برای نوشیدن و رفع تشنگی نیز کافی نیست.

برپایه گزارشات تأیید شده

قریب به ۱۹ روز است که مردم شهرک دوشان سنج‌ج با مشکل بی‌آبی روبه هستند، ساکنان این شهرک برای نظافت از آب معدنی استفاده می‌کنند.

بنابر خبر رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا، نزدیک به ۱۹ روز است که ساکنان شهرک دوشان سنج‌ج آب ندارند و با مشکل بی‌آبی رویه‌رو هستند. در این رابطه یکی از اهالی این شهرک اظهار داشته: شب‌ها نیم ساعت آب داریم و گاهی اوقات نیز به مدت

کوردستان

یوسف السرخی:

اتحاد خلق‌های غیر فارس در ایران نه تاکتیکی و مرحله‌ای بلکه استراتژیک و همیشگی است



گفتگو: کوردستان

نطفه فاشیسم حاکم بر ایران با بازگشت اولین گروه از دانشجویان ایرانی، که در دوران صدارت امیرکبیر به فرنگ اعزام شده بودند، پسته شد و در دوران رضا میرپنج بنیادهای تئوریک-عملی آن پی‌ریزی گردید و تا به امروز سیر تکاملی این مکتب توحش‌زای، روندی صعودی و به ظاهر غیرقابل پیشگیری را طی کرده است. مکتبی که بنیادهای زندگی انسانی و برابری را آماج حملات خود قرار داده و تثبیت سلطه‌ی ملت-طبقه حاکم بر سرزمین ملیت‌های ایران را به عنوان هدف اصلی خود تعریف کرده است، پروسه‌ای ضدبشری که تاریخی تاریک و مملو از کشتار و ژنوساید را رقم زده است. اما با تمام این اوصاف ملیت‌های تحت ستم و استعمار شده از سوی مرکز نه تنها در وحشت این همه کشتار، دست از خواست‌های خود نکشیدند بلکه طی این یک قرن و اندی بر دامنه‌ی مبارزاتی ضدفاشیستی و ضداستعماری خود افزوده‌اند و مانع اصلی تثبیت کامل حاکمیت وحشت بر زندگی بشریت در این بخش از جهان شدند. مبارزاتی انسانی که هزینه‌های سنگینی را بر این ملت‌ها تحمیل کرد تا تصدیقی بر این سخن دکتر عبدالرحمن قاسملو باشد که:

ملت‌ی که رویای آزادی در سر دارد باید بهای آنرا نیز بپردازد. در این میان ملت عرب از جمله ملیت‌های تحت ستم ایران می‌باشد که در طول این سال‌های تاریک از پرچمداران راه آزادی و برابری انسان‌ها بوده و به نوبه خود هم متحمل هزینه‌های سنگینی شده و هم در پیشرفت مبارزات ضدفاشیستی علیه حاکمیت ایران نقش اصلی و اساسی را ایفا کرده است. انتشار خبر اعدام دسته‌جمعه حداقل ۲۰ فعال سیاسی،اجتماعی و ادبی عرب در روز پنج‌شنبه هفدهام آبان‌ماه، تازه‌ترین نمونه از توحش حاکم بر سرزمین ملیت‌های ایران و گواهی‌ست بر حقانیت مبارزات آزادیخواهانه‌ی ملت عرب. در همین رابطه و برای بررسی ابعاد این اعدام‌ها با یوسف السرخی، فعال سیاسی عرب، مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که متن کامل آن در اختیار خوانندگان محترم روزنامه "کوردستان" قرار می‌گیرد.

فعالان سیاسی و حقوق‌بشری عرب از اعدام حداقل ۲۰ زندانی در اهواز خبر می‌دهند. در واقع در زندان‌های ایران چه روی داده و آیا اطلاع دقیقی در مورد نحوه به اصطلاح دادگاهی‌هایی که به این احکام انجامیده در دست هست یا ند؟ اعدام‌ها در کدام زندان‌ها انجام شده؟

شده و از هم جدا می‌شوند، غریال کردن حجم بزرگی از فعالان به پیدا کردن فعالان اصلی و تاثیر گذار منتهی می‌شود. این شیوه غریال کردن در اهواز معمول است که در نهایت به تلفیق اتهام، محاکمه و اعدام چهره های تاثیر گذار می انجامد. این بازداشت ها را در این نوع سرکوب می‌توان شناخت و بررسی کرد. با توجه به شرایط خفقان و سرکوب حاکم بر اهواز و بطور خوزستان باید گفت که اخبار اهواز که غالبا مصدر آن، نزدیکان و دوستان اعدام شدگان می‌باشد، به شکل مخفیانه بدست فعالان عرب میرسد. اعدام‌ها شاید در

یا از طریق وکیل و فامیل که از سوی سازمان‌های امنیتی و سرویس اطلاعاتی شناخته شده و در جریان امور هستند، به گوش آن‌ها می رسد. با توجه به اینکه روال عادی سازی اعدام در شرایط بحرانی کنونی در دستور کار نظام قرار گرفته است، نظام با وارد کردن شوک اعدهای دسته جمعی و انکار همزمان آن این ایده را به فعالان خلق‌های غیرفارس داخلی و خارجی، کارگران و فعالان صنفی، و دیگر اپوزیسیون القا می‌کند که دستگاه کشتار و سرکوب در داخل و خارج کشور و با تمام توان فعال شده است. تلاش برای ترور فعالان عرب در

می‌گیرد. این فعالان، موسسه فرهنگی داشته و در حوزه ادبیات و آموزش زبان عربی، و همچنین کمک رسانی به خانواده‌های نیازمند فعالیت می‌کردند. سیستم امنیتی حاکم بر اهواز همیشه نوک تیز اتهام را به سمت فرودستان عرب گرفته است، سرکوب به حاشیه راندن و بایکوت و سانسور سهم اصلی فعالان عرب در همه زمینه‌هاست. این سیستمی است که قدمتی همسان با برپایی دولت-ملت نوین سرمایه‌داری ایران دارد. این حمله یک بهانه نبوده بلکه در این بازه قابل تعریف است که رژیم ایران در این مواقع با

رویدادهای این مناطق پوشش داده شوند به طور سطحی و گزینشی عمل می‌شود، این مساله در رسانه‌ها که خود تابعی از اپوزیسیون ملی‌گرا هستند نهادینه شده است. در شرایط خفقان و سرکوب و تهدید خانواده‌ها و اجبار به سکوت اینگونه اخبار را نمی‌توان به سرعت ردیابی و تایید یا انکار کرد. اینگونه درخواست‌ها که بیشتر در پی بایکوت و نه اطلاع از حقیقت است برای فعالان عرب شناخته و ثابت شده است. بافت عشیره‌ای و قبیله‌ای و همچنین عدم شناخت بیشتر فعالان غیرعرب از شرایط و وضعیت درونی جامعه و

جریان اصلی این رسانه‌ها و محافل حقوق بشری با حساسیت ویژه ناشی از حس ملی‌گرایی در قبال خواسته‌های خلق های غیرفارس، واکنش‌های جدی به این مساله ندارند.

همچنین معیار قرار دادن جامعه مرکزی ایران در پیگیری اخبار، باعث می‌شود که با دید بدبینی و شک و تردید به اخبار رسیده از این جامعه های پیرامونی نگریسته شود.

ملیت‌های ایران در زمینه پوشش خبری نقض حقوق بشر در سرزمین‌های این مردمان چه وظایف بر عهده دارند و در راستای هماهنگی بیشتر باید چه کارهایی انجام شود؟؟

اتحاد رسانه‌های پیرامونی در برابر رسانه‌های جریان اصلی اپوزیسیون مرکزگرا امری ضروری در این شرایط انقلابی است. فعالان خلق‌های غیرفارس با دارا بودن یک سلسه مشترکات ناشی از

موضعیت طبقاتی-اجتماعی خود در قبال جامعه/ قدرت مرکزی و همچنین درد و تجربه مشترک ناشی از سرکوب در دوره پهلوی و اسلامی، فهم مشترک از شرایط خود، بیشتر قادر هستند که در این حیطه به یاری هم بشتابند.

ارتباط مداوم، تبادل در تجربه، مقاومت در برابر اختلاف افکنی‌های بین خلق‌ها، پوشش خبری و در اختیار قرار دادن امکانات خود در خدمت به دیگر خلق‌ها در شرایط خاص امری ضروری است. البته لازم به ذکر است که اتحاد خلق‌های غیرفارس در ایران نه تاکتیکی و مرحله‌ای بلکه استراتژییک و همیشگی است. در راستای

منطقه‌ای سرشار از عدالت و آزادی و برابری.

فعالین سیاسی و نیز حقوق بشری ملیت‌های ایران برای حساس کردن سازمان‌های بین‌المللی برای در پیش گرفتن موضع رسمی علیه فعالیت‌های تروریستی و فاشیستی رژیم ایران، چه کارها و اقداماتی انجام بدهند تا بتوانند فشاری بین‌المللی در این زمینه ایجاد کنند؟

فعالیت‌های تروریستی رژیم ایران از سوی قدرت‌های غربی تا سالیان درازی در محاق قرار گرفته بود، طوری که در توافق هسته‌ای دولت دمکرات اوپاما، مساله حقوق بشر در ایران را به حاشیه‌ای دور پرتاب کرده بود. ترور سیاسی رهبران کورد و دیگر شخصیت‌های اپوزیسیون در دهه‌های سابق و عدم حمایت کشورهای اروپایی از این مساله نشان دهنده سیاسی بودن مساله حقوق بشر در صحنه جهانی است. اکنون سیاست‌های جدید دولت آمریکا در قبال ایران، این کشور را کانون تروریسم جهانی معرفی می‌کند، با اعمال تحریم های سخت خواهان رام کردن نظام در منطقه و بازگشت آن به مرزهای سیاسی است، محدود کردن نظام جمهوری اسلامی درمرزهای خویش اساسی‌ترین مساله مطرح در کاخ سفید است. در این راستا برای اعمال فشار از طریق اذهان عمومی به مساله حقوق بشر در ایران نیز پرداخته می‌شود، همچنین مساله اقلیت‌ها و ملیت‌ها و خلق‌ها نیز در کانون توجه قرار گرفته است.

این تمام مساله نیست، وظیفه این فعالان نه استفاده ایزاری از شرایط ناپایدار موجود بلکه بازسازی و مطرح ساختن آلترناتیو سیاسی مستقل و بر اساس خواسته‌های واقعی مردم در بند است. فقط در این شرایط است که حداکثر فشار بر جسم پوسیده نظامی فرود خواهد آمد که چند دهه با سکوت، مهاده و حمایت قدرت‌های جهانی برپا ایستاده است.

کرماشان و سقز بیشترین میزان حضور در تحصن و اعتراضات معلمان را به خود اختصاص دادند



فعالان صنفی از روز دوشنبه تا روز چهارشنبه بازداشت شده و بیش از ۳۰ نفر به حراست‌ها، اداره اطلاعات و اطلاعات سپاه در سراسر کشور احضار شده و دست کم ۵۰ نفر بصورت تلفنی تهدید شده‌اند. اما تحصن حتی با تهدیدات متوقف نشد. این اعتراضات که بنابر فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، بیست‌ودوم و بیست‌وسوم آبان‌ماه برگزار شد، دور دوم اعتراضات سراسری معلمان کردستان و ایران محسوب می‌شود. این شورا در فراخوان خود خواست‌های معلمان را در چهار دسته، بدینگونه تشریح می‌کند: تامین و تضمین بودجه عادلانه برای اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری و رفع تبعیض علیه فرهنگیان شاغل و بازنشسته و اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش رایگان ۲. اجرای فاز دوم رتبه بندی ۳. توقف طرح معلم تمام وقت ۴. توقف روند پرونده سازی و سرکوب معلمان و آزادی معلمان دربند از جمله خواست‌های بنیادی و اصلی ما می‌باشد.

کردند: سقز نسبت به جمعیت، بهتر از بقیه شهرها عمل کرده و کرماشان بدون در نظر گرفتن جمعیت، رتبه اول را در تعداد مدارس به خود اختصاص داده است. اما نکته قابل توجه طی دو روز اعتراض معلمان، حضور گسترده و معنی‌دار زنان معلم در تحصن‌ها می‌باشد که سیمای این حضور در عکس‌ها و ویدئوهای منتشر شده، به خوبی نمایان است. در واقع می‌توان اعتصاب معلمان را از جمله اعتراضاتی دانست که نقش زنان در آن پرنگ بوده و این واقعیت می‌تواند به الگویی برای سایر اعتراضات و قشرهای معترض بدل شود تا بتوانند از پتانسیل موجود در نیمی از جامعه برای تحقق اهداف انسانی خود بهره ببرند. با تمام این اوصاف و موفقیت گسترده‌ی معلمان در برگزاری اعتراضات ضدفاشیستی خود، سازمان‌های ضدبشری و سرکوبگر جمهوری اسلامی خاموش نشستند و از روزهای آغازین انتشار فراخوان اعتصاب تا پایان اعتصاب، دست به تهدید و احضار معلمان زدند. در همین رابطه شورای هماهنگی در گزارش خود اظهار می‌دارد: تعدادی از

بی‌فروغی داشتند، بگونه‌ای که شهر سقز که شهرستان کوچکی در استان سنندج است در قیاس با اصفهان چند میلیون نفری، که تنها شاهد حضور ۵۰ مدرسه در اعتصاب بوده، به عنوان ستاره درخشان این اعتصابات شناخته شده است. در این میان نقش خنثی و منفعل تهران به عنوان مرکز ایران، که بیشتر منابع و ثروت‌های تمام ملیت‌های ایران را در خود انباشته، قابل تامل و درنگ است. این بیانیه به نقش فعال انجمن‌های صنفی معلمان کورد و سازماندهی بی‌مانند آنان طی این سال‌ها اشاره می‌کند و می‌افزاید: بررسی‌ها نشان می‌دهد در استان‌هایی که تشکل صنفی یا فعالان استان در جریان تحصن فعالیت داشته، تحصن بهتر بوده است مانند استان کردستان، کرماشان و همدان و این نشان از اقبال و اعتماد معلمان به تشکلهای صنفی است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در نهایت با رتبه‌بندی سطح مشارکت معلمان در دور دوم اعتراضات، دو شهر کردستان یعنی کرماشان و سقز را در جایگاه نخست قرار دادند و اعلام

گزارش: پرآو

در حالی که اکثر شهرهای مرکزی بویژه شهر تهران نقش کمرنگ و خاموشی را در اعتراض معلمان ایفا کردند، شهرهای کردستان از جمله کرماشان، سنندج، سقز و مریوان پرچم مبارزه و اعتراض علیه فاشیسم حاکم بر ایران را برافراشته نگه داشتند. برپایه گزارشات و اخبار منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، تحصن و اعتراض معلمان در سراسر کردستان و ایران، فارغ از تمام تهدیدات سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی بویژه حراست آموزش و پرورش، برگزار و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشید. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، با انتشار جدیدترین گزارش خود از آخرین روز اعتصاب و تحصن معلمان اعلام کرد: روز چهارشنبه ۲۳ آبان تحصن معلمان در ۲۰ استان و بیش از ۵۵ شهر و ده‌ها روستا برگزار شد. در ادامه این بیانیه آمده است: تحصن در استان‌های کردستان، کرماشان، ارومیه، همدان، اصفهان، مازندران، یزد، فارس و... چشمگیر بود. برپایه آمارهای ارائه شده از سوی این مرکز، بیشترین مدارس شرکت کننده در تحصن‌ها مختص به شهرهای کردستان می‌باشد که طی آن در مریوان ۳۰ مدرسه، در سقز ۴۰ مدرسه، در کرماشان ۵۰ مدرسه، شهاباد -اسلام‌آباد- ۱۰ مدرسه، سنندج ۲۰ مدرسه و... بصورت گسترده و فعال در اعتراضات، حضور داشتند. در حالی این آمار منتشر می‌شود که کلانشهرهای ایران همچون اصفهان، تهران و مشهد نسبت به جمعیت و تعداد مدارس خود، حضور بسیار کم و

پول شویی، زدن به سیم آخر، بگم بگم و منحرف کردن مردم از موضوعات اصلی



خالد درویشه

گروه ویژه اقدام مالی یا به اختصار *FATF* یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۸۹ میلادی با ابتکار *GV* و با هدف گسترش مبارزه با پول شویی بنیاد شده است. این سازمان در سال ۲۰۰۱ به کارزار مبارزه با تامین مالی تروریسم پیوست و در گذر زمان فعالیت‌های این گروه گسترده‌تر شد و در نتیجه در سال ۲۰۱۲، مقابله تامین مالی فعالیت‌های اشاعه‌ای نیز به مأموریت این گروه اضافه شد و در همین سال، آخرین ویرایش توصیه‌های خود را برای مقابله با جرایم مالی (تامین مالی تروریسم، تامین مالی فعالیت‌های اشاعه‌ای، پول شویی و...) منتشر کرد.

گروه ویژه اقدام مالی ۲۷ مهر ماه سال جاری ضمن ابراز تاسف از اینکه هنوز اکثر موارد مربوط به تعهدات ایران، حل نشده و باقی مانده است، در عین حال تعلیق ایران از فهرست سیاه این گروه را برای چهار ماه دیگر تمدید کرد. در همین حال صندوق بین المللی پول به ایران توصیه کرده است که اقدامات ضد پول شویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم را تا قبل از ضرب الاجل فوریه ۲۰۱۹ (گروه ویژه اقدام مالی) انجام بدهد.

به استثنای برجام، که تصویب آن جنجال بزرگی را در مجلس شورای اسلامی دامن زده بود شاید هیچ لایحه دیگری را نتوان به یادآورد که به مانند لایحه پیشنهادی دولت مبنی بر ضرورت پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم به همین اندازه جنجال برانگیز شده باشد و اینک جنجال بر سر لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی که یکی از چهار لوایح *FATF* است، به دنبال سخنان محمد جواد ظریف در یکی از کانال‌های تلویزیونی در خصوص واقعیت گسترده پدیده پولشویی، می‌رود تا تنور جنجال بین جناح‌های حاکم را به نیت سرگرم کردن مردم و منحرف کردن از موضوعات اصلی گرم‌تر بکند. غافل از اینکه دیگر حنای حاکمان با همه طیف و گروه‌های وابسته رنگ باخته و مردم هم به خوبی آدرس و کدهایی را که ظریف به قول خودش توانایی و امکان علنی کردن‌شان را ندارد، می‌دانند و می‌شناسند. پولشویی (*money laundering*) عبارت از فرایندی است که طی آن پول کثیف (*dirty money*) تطهیر شده و به پول به ظاهر مشروع تبدیل می‌گردد. پول کثیف، پولی است که منبع آن یک عمل مجرمانه می‌باشد. به عنوان مثال پول حاصل از عملیات انتقال مواد مخدر، دزدی، سرقت، درآمدهای حاصل از قاچاق، رشوه، فرار مالیاتی و مواردی از این قبیل را پول کثیف می‌گویند. پول شویی یک جرم تبعی است و در صورت فقدان جرم اصلی، جرم پول شویی هم موضوعاً منتفی است. جرم پول‌شویی وابسته به جرم اصلی از قبیل قاچاق، اختلاس، ارتشا و... است. اینک با توجه به تعاریف فوق و با دانش به اینکه ۷۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است، که سهم بیت رهبری و سپاه پاسداران و نهادهای وابسته به ولایت در تملک داشتن تمامی این درصد می‌باشد. درآمد سالانه سپاه پاسداران از قاچاق کالا از معابر رسمی و اسکله‌ها بیش از ۲۵ میلیارد دلار است. نهادهایی چون بنیاد شهید، کمیته امداد، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ستاد اجرایی فرمان امام، قرارگاه خاتم الانبیا، آستان قدس رضوی و همچنین شرکت‌های کثیر وابسته به آن‌ها نه تنها از پرداخت مالیات معاف می‌باشند، بلکه نسبت به پرداخت هزینه‌های خدماتی و تسهیلات بانکی واگذار شده سرباز زده و عملاً خود را در برابر هیچ نهاد و موسسه‌ای پاسخگو نمی‌دانند، بودجه کلانی هم به آن‌ها داده می‌شود و رشوه و رانت و... به مثابه اصول و مکانیزم کاربردی به جای ضوابط و قوانین راهکارهای عملی چنین نهادهایست. چنین واقعیت‌هایی "اظهر من الشمس" اند و بر کسی پوشیده نیست و اعلان کد چنین نهادهایی از طرف ظریف هیچ اطلاعات تازه‌تر و بیشتری به مردم نمی‌دهد، چرا که ملل تحت ستم، عوامل اصلی ایجاد بحران‌های موجود را به خوبی تشخیص داده و از طرفی دیگر، با زدن به سیم آخر و بگم بگم های احمدی نژادی و ژست‌های دموکراتیک مآب، فریب بازار گرمی و جنگ زرگری سران رژیم را نخورده و نخواهند خورد. باشد که با هماهنگی و اتحاد آزادیخواهان و جریان‌های دموکراتیک و مترقی ملیت‌های تحت ستم، بساط رژیم فاسد و پولشو و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی نابود گردد.

سرکوب کارگران هفت تپه و دستگیری نمایندگان آنان را محکوم می‌کنیم

ده حزب ایرانی طی انتشار بیانیه‌ای، سرکوب اعتراضات برحق کارگران هفت تپه را محکوم کرد. اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه، پس از چهارده روز، با یورش نیروهای یگان ویژه اعزامی از اهواز مواجه شده و نمایندگان کارگران، آقایان اسماعیل بخشی و محسن آرمند بوسیله نیروهای امنیتی دستگیر شدند. این درحالی است که کارگران هفت تپه برای احقاق حق خود به خیابان‌ها آمده‌اند که شامل پرداخت بیش از چهار ماه حقوق معوقه و همچنین در اعتراض به خصوصی سازی هفت تپه می‌باشد. در روزهای اخیر ضمن پیوستن کارگران فولاد اهواز و همچنین کارگران اخراجی کاغذ پارس، معلمان نیز در اعتصاب کارگران حضور داشتند. مدارس شهر شوش یکپارچه تعطیل و بازاریان نیز مغازه ها را برای همبستگی با کارگران تعطیل کردند. حضور زنان و جوانان

در راهپیمایی‌های جمعه و شنبه در شهر شوش، سخنران‌ها و شعارهایی که طی تجمعات چند روز گذشته بیان شده‌اند، نشانگر اراده وعزم راسخ کارگران و خانواده‌های آنان در نبردی نابرابر برای احقاق حقوق عادلانه خود می باشد. کارگران در ایران جمهوری اسلامی در حالی با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند که اختلاس گران با خیال راحت، و با چپاول ثروتهای این کشور، سرمایه‌های ملی را به حساب‌های خود در خارج منتقل می‌کنند. این حکومتی است که در طول عمر چهل ساله با دغلكاری و فریب اسم خود را حکومت مستضعفان نامیده، امروز یگان ویژه سرکوب را به سوی بخشی از محرومترین قشر این مملکت بسیج می کند و با دستگیری و زندان به خواسته‌های برحق آنان پاسخی خصمانه میدهد. اعتصاب و اعتراض کارگران

حق آنها در راه کسب مطالبات و مقابله با هرگونه زورگوئی و اجحاف است. پاسخ رژیم ضد مردمی، سرکوب، به جای رعایت حقوق کارگران و دستگیری نمایندگان آنها، به جای رعایت حق تشکل مستقل آنان است.رهائی از این وضعیت، نیازمند مبارزه عمومی، تشکل و سازمان یابی مستقل صنفی، مدنی، اجتماعی کارگران و زحمتمکشانش و دیگر اقشار جامعه، و همبستگی و هماهنگی نهادهای مستقل در همه عرصه‌های مبارزاتی می باشد. ما ضمن پشتیبانی کامل از مبارزات و خواسته‌های کارگران هفت تپه و حرکت اعتراضی آنها، خواهان آزادی همه دستگیرشدگان اعتراضات اخیر بوده و هستیم، ونسبت به این موج سرکوب هشدار داده و از همه وجدان‌های بیدار در سراسر جهان، می خواهیم به هر شکل و در هر سطح ممکن، واکنش نشان داده و ضمن پشتیبانی و همیاری با

اتحاد دمکراتیک آذربایجان – بیرلیک جنبش جمهور یخواهان دموکرات و لائیک ایران حزب تضامن دمکراتیک اهواز حزب دمکرات کردستان ایران حزب دمکرات کردستان حزب کومه له کردستان ایران حزب مردم بلوچستان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران کومه له زحمتمکشانشان کردستان ۲۷ آبانماه ۱۳۹۷ – ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸

هدف وزارت خزانهداری و دولت آمریکا، نقش و رول حزب الله است در شبکه تهدید آمیز ایران

برگرفته از سایت: بنیاد دفاع از دموکراسی



ترجمه از انگلیسی: آرمان حسینی

می‌افزاید که گروه مذکور نقش قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه تروریستی قدس، در زمینه سرمایه‌گذاری در عراق را تسهیل می‌کند. البته باید گفت که الزیدی نقش مشابهی را برای سرمایه‌گذاری‌های حزب‌الله در عراق ایفا می‌کند. او در یک شرکت مجاز عراقی که متعلق به ادهم تباحه سهامدار اصلی و شریک است. در واقع وی نقش ویژه برای ترورهای جهانی و مدیر اجرایی بخش کسب و کار حزب الله است که عملیات‌های متعدد و متکثری در عراق انجام داده است. وزارت خزانهداری همچنین عدنان کوثرانی، یکی دیگر از شرکای شرکت تباحه را تحریم کرد. عدنان کوثرانی و برادرش که وزارت خزانهداری آن‌ها را در سال ۲۰۱۳ شناسایی کرده است، مسئولیت کارهای ویژه در عراق را بر عهده دارند. برپایه گزارشات متعدد، حزب‌الله مدت مدیدی است که نقش اجرایی فعالیت‌های ایران در عراق را برعهده دارد. ایران در طول اشغال عراق از حزب الله برای آموزش شبه نظامیان شیعه در عراق، ایران و لبنان استفاده کرده است. اقدامات اخیر وزارت خزانهداری نشان می‌دهد که این تلاش‌ها ادامه دارد و اشاره دارد که کتائب امام علی(اهل حق) نیز در لبنان آموزش

دیده‌اند و هم اکنون به عنوان یکی از مقرهای عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. امروز جمهوری اسلامی ایران نیز در عراق و سوریه و همچنین در یمن و بحرین، شبکه‌ای از گروه‌ها و سازمان‌های وابسته به خود را شکل داده است تا اهداف استراتژیک و ایدئولوژیک تهران در خاورمیانه را اجرا و دنبال کنند.

قوانین اصلاحات پیشگیری از پیشرفت مالی بین‌المللی حزب‌الله، که رئیس جمهور در ماه اکتبر امضا کرده است، نشان می‌دهد که هر دو طرف به این توافق رسیده‌اند که فشار بیشتر بر حزب‌الله اعمال کنند. این قانون به دولت اجازه می‌دهد که شبکه‌های پذیرش و استخدام حزب‌الله و همچنین ابزارهای انتقال امور مالی خارجی به این گروه را کنترل و مسدود کند.

در راستای اجماع بین‌المللی در زمینه مبارزه با تروریسم ایران، پلیس برزیک در همراه امسال اعلام کرد که اسدا احمد برکت، یکی از بزرگترین حامیان مالی گروه تروریستی حزب‌الله لبنان در آمریکای جنوبی را در مرز میان پاراگوئه و آرژانتین، دستگیر کرده است. اسد احمد برکت در سال ۲۰۰۶ میلادی از سوی آمریکا در لیست کسانی که در سه قطب برزیل، آرژانتین و پاراگوئه برای حزب الله لبنان کار می‌کنند، قرار داده بود و از او به عنوان تروریستی جهانی نام برده بود. آمریکا مرزهای این سه کشور را به عنوان محدوده‌ی فعالیت پولشویی و قاچاق مواد مخدر و رفت و آمد اعضای گروه‌های تروریستی به ویژه حزب الله لبنان معرفی کرده است.

آمریکا قصد دارد رژیم ایران را به عنوان ناقض پیمان تسلیحات شیمیایی، معرفی کند



دولت سوریه که بطور کامل از سوی ایران حمایت می‌شود، چندین بار از سلاح‌های شیمیایی علیه مخالفین خود استفاده کرده است که کارشناسان سازمان ملل بر این

آشوبیتند پرس تاکید می‌کند که شواهدی بدست دولت آمریکا رسیده که نشان می‌دهد، رژیم اسلامی ایران تسهیلات و ابزار تولید سلاح شیمیایی را در اختیار دارد.

دیپلمات‌های آمریکایی از قصد دولت دونالد ترامپ برای متهم کردن تهران به نقض پیمان تسلیحات شیمیایی خبر داد. برپایه گزارشی از خبرگزاری آسوشیتدپرس، دولت دونالد ترامپ قصد دارد تا در روز دوشنبه بیست‌وهشتم آبان‌ماه، طی نشست سازمان منع تسلیحات شیمیایی در شهر لاهه هلند، جمهوری اسلامی را به نقض پیمان تسلیحات شیمیایی متهم کند.

طبق این گزارش، دولت ترامپ رسماً اعلام خواهد کرد که تهران کنوانسیون تسلیحات شیمیایی متعلق به سال ۱۹۹۷ را زیر پا گذاشته است.

سیاست بی طرفی چین در خاورمیانه و تحریم‌های ایران

آرش صالح

بنیان‌های سیاست خارجی چین بر اساس نیازهای این کشور بر تامين انرژی استوار شده‌اند. بر همین اساس، این کشور یکی از اصول اساسی سیاست خارجی خود را بر پایه «همبستگی با کشورهای در حال توسعه» بنیان گذاشته است. اگر چه از زاویه‌ی ایدئولوژیک، چینی‌ها این همبستگی را به عنوان «همکاری جهانی برای مقابله با استعمار» ارائه می‌کنند اما در عمل روابط روبه گسترش چین با غرب گذاره دوم و بخش توجیه ایدئولوژیک یک اصل در سیاست خارجی چین را بی‌اثر نموده است. در چنین شرایطی و با توجه به سیاست اعلام شده از سوی خامنه‌ای مبنی بر گردش به سوی شرق، سوال اینجاست که آیا جمهوری اسلامی می‌تواند در آینده بر روی جانبداری موثر چین حساب باز کند؟ به عبارت دیگر، آیا رویکرد چین در خاورمیانه و در قبال تحریم‌های ایران به سوی بخش ضداستعماری اصول سیاست خارجی این کشور متمایل می‌شود و یا رویکردی پراگماتیستی در بر خواهد داشت؟

چین علی‌رغم پتانسیل‌های که دارد - ازجمله جمعیت و توان نظامی- و با وجود شرایط مهیا برای حضور نظامی در منطقه اما از نظر کارشناسان تا پنجاه سال آینده هیچ افقی برای حضور نظامی این کشور در خاورمیانه دیده نمی‌شود. اگرچه گزارش‌هایی اشاره به این مساله می‌کنند که گروه‌های مسلحی از مسلمان‌های «اویغور» در سوریه حضور دارند اما چین عملاً به بهانه وجود این گروه‌ها هم تاکنون علاقه‌ای به مداخله نظامی در خاورمیانه نشان نداده است. علی‌رغم این واقعیت که پایه‌های ایدئولوژیک نظام سیاسی چین، این کشور را در گروه نظام‌های ایدئولوژیک قرار می‌دهد اما امکان چین برای تعقیب سیاست‌های ایدئولوژیک در روابط خارجی این کشور بسیار محدود می‌باشد. سیاست گشایش چین به روی غرب و اصلاحات در زمینه سیاست‌های بازار، این کشور را با دو وضعیت جدید مواجه ساخته است. اول اینکه وابستگی چین به منابع انرژی بسیار گسترش پیدا کرده و دوم اینکه وابستگی متقابل interdependency این کشور با غرب به یک مساله حیاتی در سیاست خارجی چین، تبدیل شده است.

در چند دهه گذشته که اقتصاد چین در حال فراگرفتن جهان بوده، منابع انرژی برای این کشور اهمیت دو چندانی پیدا کرده‌اند. اما آیا این برای ایران خبر خوبی است یا بد؟ نیاز روزافزون چین به انرژی می‌تواند برای ایران به مثابه یک چاقوی دو لبه عمل نماید. این نیاز اگرچه نفت و منابع انرژی ایران را برای چین بسیار ارزشمند می‌کند اما در عین حال این وابستگی حکم می‌کند که چین همه تخم مرغ‌های‌اش را در یک سبد قرار نداده و برای منابع انرژی در کشورهای مختلف اهمیت ویژه‌ای قائل شود. به همین جهت، چین یک نیاز جدی جهت برقراری گونه‌ای از بالانس در روابط خود با همه کشورهای دارای منابع انرژی دارد. این نیاز، منتج به اتخاذ عملی سیاست بی‌طرفی در خاورمیانه شده است. از سوی دیگر اما یکی از مفاهیم شکل دهنده به روابط بین‌الملل مفهوم وابستگی متقابل است که امروزه در روابط چین و جهان غرب نقش بسیار زیادی در شکل‌دهی به نظم بین‌الملل ایفا می‌کند. روابط اقتصادی و تجاری و همچنین مالی، سیاست‌های خارجی رقبای عمده موجود در نظم بین‌المللی را در شرایطی قرار داده که از تحولات داخلی یک‌دیگر متأثر شده و همچنین به همدیگر نیاز داشته باشند. به عنوان مثال بدهی‌های بسیار بالای آمریکا به چین به همان اندازه که می‌تواند مساله امنیت داخلی آمریکا باشد به همان اندازه نیز برای چین می‌تواند یک مساله حیاتی به شمار آیند که چین را نسبت به تحولات داخلی آمریکا آسیب‌پذیر نماید. بر همین اساس امکان چین برای تقابل با سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه نه تنها محدود بلکه گاهی نیز نامطلوب است.

دو فاکتور فوق در نهایت سیاست خارجی چین را از سیاست خارجی ایدئولوژیک مبتنی بر تقابل با امپریالیسم به سوی یک سیاست خارجی عملگرایانه، شیفث داده که اولیت اصلی آن تامین منابع مورد نیاز انرژی این کشور است. در چنین شرایطی و زمانی که محدودیت‌های اعمال شده بر روی چین برای خرید نفت از ایران در حال افزایش است، این سیاست حکم می‌کند که چین به سرعت به سوی جایگزین کردن منابع جدیدی برای انرژی مورد نیاز خود باشد.

در چنین شرایطی چین با اعلام و نشان دادن بی‌طرفی می‌خواهد هم از یک سو این امکان را برای خود فراهم نماید که تنوع بیشتری را در منابع انرژی مورد نیاز خود داشته باشد و هم از سوی دیگر، نفوذ سیاسی خود را در کشورهای منطقه افزایش دهد. به این ترتیب چین با اتخاذ چنین شرایطی ضمن رعایت تحریم‌ها و سوق پیدا کردن به سوی منابع جایگزین به ویژه در عربستان، آماده بازیابی جایگاه خود در انرژی ایران در آینده و در احتمال از میان برداشته شدن تحریم‌ها به هر دلیل می‌باشد.

توطئه‌ای دیگر که بنیاد جنبش ملی-دمکراتیک کورد را هدف قرار داده

کزارش: شهرام میرزائی

وزارت خارجه، وزارت اطلاعات و سپاه تروریستی قدس با همکاری صداوسیماى جمهوری اسلامی ایران و تحت لوای تاسیس مرکز خبری-فرهنگی مختص به کرمانشان و ایلام و کوردهای قبلی عراق، سعی در ایجاد جریان انحرافی و ایجاد تفرقه در میان کوردها و شناسایی افراد مستعد برای جاسوسی و تفرقه‌افکنی دارد. با اوج‌گیری جنبش آزادیخواهی کوردستان و نفوذ خواست‌های این جنبش در جنوبی‌ترین نقاط این سرزمین، جمهوری اسلامی ایران طی یک دهه گذشته بر آن بوده که با ایجاد گفتمان‌های انحرافی و به ظاهر کوردی، به ایجاد انشقاق و انحراف در این جنبش دست بزند. تاسیس مرکز به اصطلاح فرهنگی-خبری "اشراق" در بغداد، از جدیدترین و شاید بتوان گفت جدی‌ترین برنامه ایران اسلامی برای تحقق اهداف آشوبگرانه‌اش در کوردستان می‌باشد. مرکزی که با امکاناتی همچون روزنامه، سایت خبری، یک شبکه‌ی ماهواره‌ای و یک مرکز بزرگ چاپ تجهیز شده و مبادرت به استخدام ده‌ها نفر متخصص و فعال در حوزه‌های رسانه، فرهنگ، ادبیات، علوم اجتماعی، روانشناسی، نویسنده و تحلیلگر پرداخته و با تعیین دستمزدهای هنگفت و به نرخ دلار، به یکی از بال‌های اصلی پیش‌برنده‌ی برنامه‌های وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران علیه ملت کورد بدل شده است. مرکز اشراق در تشریح اهداف خود متذکر شده که تمرکز فعالیت خود را بر گویش‌های قبلی، کلهری و لکی قرار داده اما با این حال به گویش‌های سورانی و کرمانجی نیز برنامه و خبر منتشر می‌کند و با توجه به اختیارات گسترده و بودجه هنگفت این مرکز و امکان دسترسی آن به فعالیت‌ها و رویدادهای استان‌های کوردستان، به سهولت به انتشار اخبار مرتبط با این مناطق و نیز هدایت و کانالیزه کردن نوع فعالیت‌های کوردی بویژه در کرمانشان و ایلام، می‌پردازد. مرکز اشراق با محوریت قرار دادن تفاوت‌های مذهبی و گویشی در کوردستان، اکثر برنامه‌های خود را با محوریت این موضوعات و تحریک احساسات مذهبی و عشیره‌ای تهیه و تولید می‌کند و در این میان بدنبال احیای احساسات متحجرانه‌ی عشیره‌ای و ایجاد شکاف‌های عمیق گویشی در میان کوردها می‌باشد. برپایه اظهارات یکی از منابع خبری، اطاق‌های فکر صدا و سیما، وزارت اطلاعات و سپاه قدس جامعه‌شناسان، روانشناسان و زبان‌شناسان متعددی را استخدام کرده تا بصورت مستمر، خوراک فکری-عملی اینگونه سازمان‌ها را تامین کنند و در واقع جهت‌دهی این سازمان‌ها از سوی نهادهای مذکور آماده و اعلام می‌شود. البته باید گفت، همه کسانی که در اشراق کار می‌کنند و یا با آن همکار هستند عامل و یا مهره جمهوری اسلامی نیستند بلکه بدون اینکه از پشت صحنه فعالیت‌های آن آگاه باشند و بی‌خبر از همه جا، با "اشراق" همراه شده‌اند و گردانندگان این مرکز از این ناآگاهی برای جذب افراد بیشتر و دلسوزان فرهنگ و ادب کوردی بهره می‌برند. برپایه گفته‌های یک منبع موثق، این مرکز حتا برای جذب حداکثری نیروی کاری در گام اول، محدودیت‌های کمی برای نوع فعالیت‌ها، نوشته‌ها و برنامه‌ها وضع می‌کند تا بتواند بیشترین نخبه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را برای همکاری با خود همراه و سپس با پرداخت حقوق‌های بالا به این افراد، بطور غیرمستقیم آن‌ها را وابسته بخود می‌کند و در مرحله دوم با اعمال نظر و راهبردهای حکومتی برای تهیه برنامه‌های خبری و فرهنگی، آن‌ها را مجبور می‌کند که برای حفظ درآمد بالای‌شان تن به اجرای آنچه مرکز اشراق می‌خواهد، بدهند. از سوی دیگر، نبود شبکه‌ای ماهواره‌ای و رسانه‌ای ملی و همه‌گیر که بتواند نظر عام و خاص کوردها را به خود جلب کند و به مبنایی برای جهت‌دهی فکری و تعیین خطوط مبارزات ملی-دمکراتیک کوردستان بدل شود، موجب شده که خلاء گسترده‌ای در این زمینه مهیا شود که بی‌شک حکومتی همچون جمهوری اسلامی به خوبی از این مساله و خلاء آگاه بوده و با در پیش گرفتن تاکتیک‌های نرم همچون تاسیس مرکز "اشراق" می‌کوشد تا جریان‌های انحرافی و گفتمان‌های ضدکوری را در لباس "کوردایتی" ایجاد و اشاعه دهد. جنبش ملی-دمکراتیک کوردستان باید با بازتعریف تاکتیک‌های خود و تحول ساختاری در نوع عملکردش و تشخیص خلاءهای فکری-عملی‌اش و نیز شناخت کامل نوع تاکتیک‌های جمهوری اسلامی در مقابله با مبارزات برحق و مشروع کوردها، با سرعتی بیشتر جهت جبران عقب ماندگی‌ها و کاستی‌های مبارزاتی خود، گام بردارد و با شناختی علمی از جامعه امروز کوردستان و جهانی که معادلات آن با دهه‌های ۵۰ و ۶۰ متفاوت است، در راستای تحقق خواست‌های انسانی ملت‌کورد عمل کند. تغییر و تحولاتی که نیازمند بکارگیری نسلی جدیدی از دانش‌آموختگان کوردستان است تا علاوه بر شناخت جامعه، علم مورد نیاز برای تحولات ضروری را مهیا کرده و آنرا به سرچشمه تحرک و بازدهی بیشتر جنبش بدل کند. امری که نیازمند تغییرات بنیادی و اساسی در ساختار عملی-فکری احزاب دارد تا امکان در پیش گرفتن چنین سیاستی را مهیا سازد. اینکه دشمن ما از تمام امکانات ممکن برای نابودی ملت‌مان بهره می‌برد این سوال را پیش می‌آورد که چرا ما نباید از تمام امکانات بالقوه ملت خود برای پیروزی مبارزات‌مان بهره نبریم؟! و این امر به رهبرانی نیاز دارد که به شناخت علمی گسترده‌ای نسبت به آنچه هست و آنچه روی می‌دهد، مسلح باشند تا بتوانند ضروریات را تشخیص داده و مسیر را برای عملی اندیشیده شده، باز بگذارند.



به گفتمان ملی کورد دهند، نقش آفرینی آن‌ها در عرصه اجتماعی مردم را به سوی شهروندانی فعال سوق داده است. اگر امروز جامعه کورد جامعه‌ای فعال است بخشی از آن را مدیون زحمات این فعالین است. فعالین فرهنگی و مدنی با فراغ فکری بیشتری می‌توانند تحلیل‌ها و اقدامات موثری داشته باشند در این زمینه هم می‌توانند در شناسایی و رسوا کردن این توطئه‌ها نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند.

توطئه‌های جمهوری اسلامی در ایجاد انشقاق و تحریف جنبش ملی دمکراتیک کوردستان تا چه حد موفقیت‌آمیز بوده و آیا توانسته در این راستا به اهداف خود دست یابد و در این صورت، این امر از چه ناشی می‌شود؟

توطئه‌های سیستم امنیتی ایران در خلق اصطکاک کاذب در میان مخالفین خود، در اکثر مواقع موثر واقع شده و توانسته با خلق مفاهیم و جریان‌های کوچک، انرژی جنبش‌ها و مخالفین را به سویی سوق دهند که آنان را به هم مشغول کرده و از این راه راندمان فشار علیه جمهوری اسلامی را به تحلیل برند. طی سال‌های اخیر در کوردستان، بخش فرهنگی سیستم امنیتی رژیم تروریستی ایران برای مقابله با پروسه همبستگی ملی کورد بصورت گسترده‌ای از برجسته کردن مسائل محلی، لهجه‌ای و مذهبی بهره برده و از آن به نفع خود استفاده کرده است. نمونه بارز این سیاست ایجاد اختلاف و انشقاق میان لهجه‌های کوردی از جمله در هورامان و مناطق لک می‌باشد که متأسفانه بعضی از جریان‌های کورد هم جهت اعمال سیاست‌های خود به این پروژه کمک کرده‌اند، اگر چه هیچگاه این توطئه‌ها نمی‌تواند دستاورد بزرگی برای فاشیسم جمهوری اسلامی داشته باشد اما به هر حال انرژی زیادی را از جنبش به تحلیل برده است.

کردن جنبش باعث شده است که نتواند پروژه‌های بزرگ و موسسات رسانه‌های تأثیر گذار را مدیریت کند و این خود میدان را برای اجرائی شدن پروژه‌های جمهوری اسلامی مهیا کرده است.

جنبش ملی-دمکراتیک کوردستان چه وظیفه‌ای در قبال این توطئه دارد و باید چه کرد؟

آنچه کوردها و احزاب کوردی باید به آن توجه داشته باشند این است که مبنای مبارزه آن‌ها مقابله با حکومت جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌هاست. به هر حال حاکمیت جمهوری اسلامی دارای موسسات و امکانات عظیمی است و جنبش با روش‌های انقلابی و استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود و البته با هوشمندی کامل سعی می‌کند علیه سیاست‌های این حکومت مقابله کند. در این رابطه اولین اقدام شناسایی کامل این پروژه با تمام جزئیات است و دوم افشای این توطئه در رسانه است ولی آنچه این سیاست را عقیم می‌کند وجود رسانه‌های‌ست که بتوانند مسائل مربوط به کرمانشان و ایلام و لورستان را به شیوای حرفه‌ای پوشش دهند. در صورت عدم وجود چنین رسانه‌هایی باید انتظار عملیاتی شدن طرح‌های ایران علیه کوردها باشیم.

آیا فعالین فرهنگی کورد در خنثی کردن این توطئه‌ها می‌توانند نقش کارایی داشته باشند؟ در این میان قشر مذکور چه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟

بدون شک همچنانکه تجربه دو دهه‌ی اخیر نشان داده است، هر اقدامی که از جانب کوردها با موفقیت انجام گرفته است حتما فعالین مدنی و فرهنگی در آن مشارکت فعال داشته‌اند. فعالین مدنی، فرهنگی و جریانات سیاسی در جنبش آزادیخواهی کوردستان همیشه مکمل همدیگر بوده و هستند. فعالین مدنی در بسیاری از موارد با تمرکز بر مسائل توانسته‌اند جهش‌های مثبتی

در کرمانشان و ایلام شکست خورده است چرا که جنبش ملی کورد با کنار زدن مذهب از تعریف هویت ملی‌اش گام‌های اساسی برداشته است و نیز بدلیل محدودیت‌های داخلی در امر برنامه‌سازی، که برخاسته از ساختار رژیم است، نمی‌تواند از طریق رسانه‌های داخلی برنامه‌هایی تولید کند که مورد استقبال مردم قرار گیرد لذا در تلاش است که از فضای موجود در بغداد جهت برنامه‌سازی بهره ببرد.

همچنین از سوی دیگر می‌خواهد از این طریق اقتشاری از کوردهای جعفری در عراق و کوردستان ایران را مورد پوشش رسانه‌ای قرار دهد تا بتواند به نحوی، تسری جنبش ملی کورد را به عمق زاگرس مرکزی متوقف کند تا از این راه هویت همبسته کوردی را به وسیله مذهب، فرقه و لهجه دچار انشقاق کند تا بتواند از طریق این تفرقه‌افکنی، کنترل و مدیریت جنبش کوردها را به دست بگیرد.

تحت چه شرایط و موقعیتی چنین مراکز خبری می‌تواند تأثیر گذار باشند؟

همچنانکه اشاره شد، جمهوری اسلامی سعی بر آن دارد که با تأسیس این رسانه در بغداد یک سری برنامه‌های سرگرم کنند که در فضای بسته رسانه‌ی ایران مجال تولید آن‌ها نیست به نام عراق تولید کند و این می‌تواند توجه مخاطب را در نگاه اول جلب کند و نیز می‌تواند از طریق پول، برخی از فعالین فرهنگی که متأسفانه با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند را به استخدام خود در بیاورد اما شانس اصلی موفقیت آن‌ها فقدان رسانه‌ی قوی و تأثیر گذار توسط خود جریان‌های سازمانی جنبش کوردهاست. جنبش ملی کورد در کوردستان ایران اگر چه سرزنده و جذاب است و جمعیت بزرگی از فعالین کورد را به خود مشغول کرده است اما در یک محور هدفمند بسترسازی نشده است و این پراکندگی در ارگانیزه

مصاحبه:

شارام کرمانشانی

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اعمال خشونت عریان علیه ملت کورد، بصورت مستمر و در مقیاسی گسترده از روش‌ها و برنامه‌های نرم علیه جنبش آزادیخواهی این مردمان بهره برده است. تا از این طریق بتواند هم مسیر این قیام انسانی را منحرف کند و هم میان مبارزین انشقاق و چنددستگی ایجاد کند. تاسیس مرکز خبری-فرهنگی "اشراق" در بغداد توسط سازمان‌ها و نهادهای اطلاعاتی-امنیتی جمهوری اسلامی بارزترین نمونه‌ی این امر طی سال‌های اخیر می‌باشد که دارای یک شبکه‌ی ماهواره‌ای، یک مرکز نشر بزرگ، سایت و روزنامه می‌باشد و هدف خود را تمرکز بر فعالیت‌های فرهنگی در میان کوردهای قبلی عراق، کرمانشان و ایلام قرار داده است.

در همین رابطه با سهراب کریمی، فعال سیاسی کرمانشانی و مقیم کانادا مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که متن کامل آن در زیر خواهد آمد.

هدف جمهوری اسلامی از تاسیس چنین مرکزی برای تمرکز بر کرمانشان و ایلام و لورستان چیست ؟

سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی که در دست سپاه پاسداران است اصولا بر پایه فرقه سازی در منطقه طراحی شده، یعنی جمهوری اسلامی هیچگاه سیاست منطقه‌ای خود را بر مبنای منافع مشترک ایران و دیگر کشورها پیش نمی‌برد بلکه از طریق گروه‌های مذهبی شیعه و دیگر فرقه‌های پیش می‌برد و در اولین گام هم با تبلیغات سعی می‌کند که شکاف فرقه‌ای را برجسته کند و بعد با مزدورگیری و اشاعه تبعصبات فرقه‌ای سعی در سازماندهی و در نهایت مسلح کردن آن‌ها می‌کند. اما در مساله فوق گویا جمهوری اسلامی در سیاست‌های داخلی

مرگ دو شهروند عرب زیر شکنجه‌های اداره اطلاعات

سازمان حقوق بشر اهواز از می‌شود که او نیز تحت شکنجه مرگ دو فعال عرب به علت شدت اعمال شکنجه بر روی این فعالین اهوازی، خبر داد. می‌شود که: اداره اطلاعات برپایه گزارشی که سازمان حقوق بشر اهواز منتشر کرده، دو تن از بازداشت شدگان اهوازی به نام‌های احمد حیدری فرزند عبود ۲۸ ساله و عدنان سواری ۳۴ ساله، برادر دیگر عدنان نیز هنوز در بازداشتگاه اطلاعات اهواز به سر می‌برند. پیشتر شاهد علوی، گزارش به نقل از منابع نزدیک اطلاعات اهواز جان داده‌اند. این روزنامه‌نگار مقیم آمریکا، با انتشار خبری در صفحه فیسبوک خود و به نقل از یک منبع موثق اعلام کرده بود که: روز پنج‌شنبه نوزدهم آبان‌ماه ۱۳۹۷ شمسی، خبر کشته شدن فرزندشان را (احتمالا بیش از ۲۰ نفر) از به آن‌ها اطلاع داد. این منبع زندانیان سیاسی عرب اهوازی خبری همچنین افزوده است که بازداشت شده در هفته‌های اخیر تماس گیرندگان مدعی شده‌اند و دست‌کم یکی از فعالان عرب که حیدری طی درگیری با بازپرسان کشته شده است. این مرکزی اهواز اعدام شده‌اند. که دو تن از ماموران لباس شخصی ستاد خبری اطلاعات اهواز به منزل جانباخته در کوی کمپلو (خیابان انقلاب) مراجعه کرده و از آنان خواسته‌اند تا از عرب اهواز را به اتهام ارتباط برگزاری مراسم عزاداری علنی با حمله به رژه نیروهای طبق رسوم عربی خودداری ترویرستی جمهوری اسلامی کنند. در ادامه این گزارش ایران در اهواز را بازداشت به مرگ عدنان سواری ۳۴ شدند. ساله از قبیله عبیدوی، اشاره

علی‌رغم فشار نیروهای اطلاعاتی یاد سید خلیل عالی‌نژاد در صحنه گرامی داشته شد



مراسم باشکوهی علی‌رغم فشار نیروهای اطلاعاتی برای گرامی‌داشت یاد و خاطره سید خلیل عالی‌نژاد در شهر صحنه از توابع کرماشان برگزار شد. روز یکشنبه بیست و هفتم آبان‌ماه، مراسم باشکوهی به مناسبت هفدهمین سالگرد ترور سید خلیل عالی‌نژاد با حضور هزاران تن از یارسانیان و دوستانان فرهنگ و هنر در شهرستان صحنه استان کرماشان بر سر مزار این شخصیت یارسانی برگزار گردید. مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان درباره چگونگی برگزاری این مراسم اعلام کرده است: "متأسفانه بر اثر فشار عوامل امنیتی به خانواده‌ی سید خلیل و دیگر عوامل برگزاری این مراسم آنچه نمود داشت نبود تریبون و سازماندهی مناسب برای برگزاری مراسم بود ولی به هر حال حضور هزاران انسان عاشق سبب گشت مراسم به شکل سنتی و خود جوش انجام گردید." این مجمع تأکید کرده است: "قبل از برگزاری مراسم فشارهای امنیتی بسیاری بر اعضای مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان نیز وارد شد از جمله خیراله حق جویان از یاران سابق سید خلیل عالی‌نژاد از حضور در مراسم و سخنرانی منع گردیده بود و ایشان نیز به احترام خانواده‌ی این شهید و کاهش فشار بر آنها از حضور در مراسم خودداری نمودند در حالیکه ایشان یکی از مجریان اصلی برگزاری این مراسم بوده است." سید خلیل عالی‌نژاد، بیست و هفتم آبان‌ماه سال ۸۰ در شهر گوتنبرگ سوئد از سوی افرادی ناشناس در محل تدریس موسیقی، "ترور و جسد وی توسط این افراد به آتش کشیده شد". طی چند سال گذشته، توهین به شهروندان یارسان افزایش یافته و رسانه‌ها و روزنامه‌های حکومتی نظیر "صدا و سیمای حکومت اسلامی ایران"، "هفته‌نامه زن روز"، "روزنامه جام‌جم"، "روزنامه جمهوری اسلامی"، "روزنامه فرهیختگان"، "فصلنامه معارف اسلامی"، "دایره المعارف اسلامی" به اعتقادات جامعه یارسان توهین کرده‌اند.

بازداشت ساکنین روستای «نی» همچنان ادامه دارد

اهل روستای "نی" از توابع نیروهای اطلاعاتی بازداشت می‌روان که بیست و ششم مهرماه سال جاری از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده بود، پس از یک روز انتقال به زندان می‌روان با قرار وثیقه به شیوه موقت تا زمان برگزاری جلسه محاکمه از بازداشت آزاد شد. روز پنج‌شنبه بیست و ششم مهرماه، "برپار کاوه" ۲۵ ساله فرزند امین، "محسن فرهمند" فرزند خسرو و "حمید پروازه" ۲۸ ساله فرزند محمد توسط

اطلاعی در دسترس نیست. نیروهای اطلاعاتی بدون ارائه دلیل مشخصی اقدام به بازداشت این شهروند کورد کرده‌اند. در همین رابطه نیز، شامگاه روز یکشنبه بیست و هفتم آبان‌ماه، یک شهروند به نام "محمد دادرسی" ۳۳ ساله فرزند حامد اهل روستای "نی" از توابع می‌روان توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شد. این شهروند پس از بازداشت به مکان نامعلومی منتقل شده و از سرنوشت وی

KMMK-G

طی نامه‌ای بر بی‌گناهی هدایت عبدالله‌پور تأکید کرد



کشور نیز این حکم را تأیید کرد. پیشتر یکی از نزدیکان هدایت عبدالله‌پور طی مصاحبه‌ای، در رابطه با جزئیات روند محاکمه این زندانی سیاسی کورد به آژانس خبررسانی کردپا گفته بود: پس از اینکه حکم اعدام هدایت عبدالله‌پور در شعبه چهل و هفتم دیوان عالی

ارتباط وی با حزب دمکرات کوردستان ایران وجود ندارد. در ادامه این نامه آمده است، هدایت عبدالله‌پور ۷۸ روز در بازداشتگاه اداره اطلاعات سپاه پاسداران در ارومیه برای گرفتن اعترافات اجباری مورد شکنجه قرار گرفته است. هدایت عبدالله‌پور همراه با چند تن دیگر در روستای قره‌سقل اشنویه در خرداد ماه ۱۳۹۵ شمسی از سوی نیروهای اطلاعاتی-تروریستی ایران بازداشت شدند. دادگاه انقلاب ارومیه این هفت شهروند کورد اهل روستای قره‌سقل را به اتهام "همکاری با یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران" محکوم کرد و در دی‌ماه ۹۶ به اعدام محکوم گردید. روز دوشنبه شانزدهم مهرماه، شعبه ۴۷ دیوان عالی

جمعیت حقوق بشر کوردستان ایران - ژنو با ارسال نامه‌ای به گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران به شرح پرونده و سرگذشت هدایت عبدالله‌پور، زندانی سیاسی کورد، پرداخت. برپایه گزارشی از آژانس خبررسانی کردپا، جمعیت حقوق بشر کوردستان ایران - ژنو در رابطه با وضعیت هدایت عبدالله‌پور، زندانی سیاسی کورد در زندان ارومیه، نامه‌ی مفصلی را به جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران ارسال کرده که در آن، به ظلم‌ها و اجحافات وارده بر این زندانی سیاسی اشاره کرده است. در این نامه آمده است: اتهامات وارده به این زندانی سیاسی کورد کذب و بی‌اساس می‌باشد و هیچ مدرکی دال بر

بازداشت فعالان کورد و کشتار کولبران، همچنان ادامه دارد

کوردستان کشته و زخمی گردیدند. برپایه این گزارش، روز یکشنبه بیستم آبان‌ماه، یک کولبر به نام غالب کوپک، اهل روستای "دزوند" از توابع می‌روان در مرز این شهرستان در پی شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان خود را از دست داد. او متأهل و دارای یک فرزند می‌باشد. در این گزارش

شهرستان منتقل گردیدند. براساس این گزارش، روز شنبه نوزدهم آبان‌ماه، هاشم و حسن فتحی، در محل کار خود توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شدند. همچنین در ادامه کشتار مردم عادی، آژانس خبررسانی کردپا گزارش داد که، سه کولبر کورد با شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در مناطق مرزی

حکومت اسلامی ایران از یک سو، فعالان سیاسی-اجتماعی کورد را بازداشت و محبوس می‌کند و از سوی دیگر با شلیک مستقیم، جان کولبران را می‌گیرد. برپایه دو گزارش مجزا از آژانس خبررسانی کردپا، دو شهروند بوکانی توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات این

اعدام دست‌جمعی و مخفیانه حداقل ۲۰ فعال عرب در اهواز



چهار نفر از اعدامی‌ها را منتشر کرده که عبارت‌اند از: احمد العبودی فرزند عبود، محمد مومنی معروف به محمد تیماس و دو فرزندش، نثار مومنی و اسامه مومنی. در همین رابطه فعالان عرب اظهار داشته‌اند که، اداره کل اطلاعات خوزستان، روز یکشنبه بیستم آبان ماه، با خانواده شماری از بازداشت شدگان تماس گرفته و خبر

به دستور دادستانی تماس تلفنی عمده زندانیان سیاسی عرب زندان مرکزی اهواز (گروهی که در چند هفته اخیر زندانی شده‌اند) با خانواده‌های‌شان قطع شده بود. علوی این عمل را مشابه و یادآور کشتار زندانیان سیاسی ملیت‌های ایران در دهه شصست و بویژه در تابستان ۶۷ وصف کرده است. این خبرنگاران همچنین نام

حداقل ۲۰ نفر از فعالین سیاسی-اجتماعی عرب اهواز که طی ماه‌های گذشته و بویژه بعد از حمله به رژه نیروهای ترویرستی جمهوری اسلامی، بازداشت شده بودند، بطور مخفیانه اعدام شدند. شاهد علوی، روزنامه‌نگار مقیم آمریکا، با انتشار خبری در صفحه فیسبوک خود و به نقل از یک منبع موثق اعلام کرد: روز پنج‌شنبه هفدهم آبان ماه، جمعی نامعلوم (احتمالا بیش از ۲۰ نفر) از زندانیان سیاسی عرب اهوازی بازداشت شده در هفته‌های اخیر و دست‌کم یکی از فعالان عرب که پیشتر (حدود ۸ ماه پیش) بازداشت شده بود، در زندان مرکزی اهواز اعدام شده‌اند. او در ادامه متذکر می‌شود: از روز سه‌شنبه، یعنی دو روز پیش از اعدام‌های دسته‌جمعی مذکور،